

سخنی با نامزدهای ریاست جمهوری

۱ - در نظام‌های سیاسی مبتنی بر آرای مردم، نامزدها در طی فعالیت‌های انتخاباتی خود وعده‌هایی را به مردم می‌دهند. این وعده‌ها با وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور در سطح ملی یا بین‌المللی ارتباط مستقیم دارد اما همه می‌دانند که تمامی این وعده‌ها، طی یک دوره ریاست‌جمهوری عملی نیست اما این وعده‌ها در جلب حمایت مردم و جذب آرا موثر واقع می‌شوند. در نظام‌هایی که حاکمیت مردم و انتخابات آزاد، عادلانه و منصفانه نهاده شده است، اگرچه این وعده‌های انتخاباتی تماما عملی نمی‌شوند اما رئیس‌جمهوری که انتخاب می‌شود، در طول دوره ریاست خود لاجرم به برخی از این وعده‌ها عمل می‌کند. از آنجا که انتخابات در نظام‌های مردم‌سالار حزبی صورت می‌گیرد و احزاب نامزدهای ریاست‌جمهوری (و یا سایر نهادها) را معرفی می‌کنند، عمل به وعده‌ها نه فقط برای شخص رئیس‌جمهوری بلکه برای حزبی که به آن وابسته می‌باشد، ضروری است. در نظام‌های مردم‌سالار، نگرش مردم و مسوولان مطلق‌بینی و مطلق‌خواهی نیست. ارزیابی عملکردها براساس قبول نسبیت امور است و در داوری عملکرد و مسوولان منتخب مردم، نگاه نسبی‌گرایانه حاکم است بنابراین درست است که رئیس‌جمهوری منتخب مردم نمی‌تواند به تمام وعده‌هایی که در دوران مبارزات انتخاباتی به مردم داده است عمل کند، اما به برخی از وعده‌های خود عمل می‌کند. همین امر، باعث رشد و توسعه تدریجی جامعه و کشور در درازمدت می‌شود. طرح شعارها و وعده‌های انتخاباتی در فصل مبارزات انتخاباتی توسط نامزدها، بر فضای سیاسی جامعه اثرگذار است و بر فرآیند تحولات و تغییرات به سمت و سوی آنچه مردم خواستار آن هستند و ضروری می‌باشد و از زبان نامزدها عنوان می‌شود اثر می‌گذارد، این فضاسازی سیاسی و جهت دادن به تغییرات و تحولات راه را برای انجام وعده‌های رئیس‌جمهوری منتخب هموار می‌سازد. به عبارت دیگر وعده‌های انتخاباتی نامزدها را باید در دو بعد یا دو محور مورد توجه و ارزیابی قرار داد، بعد اول تاثیرات فوری این وعده‌ها بر جو سیاسی کشور در راستای تغییرات ضروری است. این وعده نسبی نیست بلکه پرداخت نقدی به تغییرات است اما بعد دوم وعده‌های نسبی است که نامزدها انجام آنها را به مردم وعده داده‌اند و انجام آنها به توانمندی رئیس‌جمهور منتخب در جذب همکاری نیروهای کاردان و مناسبات درونی قدرت بستگی دارد ولی در هر حال رئیس‌جمهوری ممکن است موفق شود به برخی از این وعده‌ها عمل کند.

۲ - در دهمین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران هر یک از نامزدها به تناسب امکانات، قدرت، سابقه و تجربه، باورهای سیاسی و عقیدتی خود شعارها و وعده‌هایی را مطرح ساخته و می‌سازند. مشکلات اقتصادی، گرانی، تورم، فاصله وحشتناک میان میانگین درآمدها با هزینه‌ها، برای اکثریت بزرگی از مردم کشورمان یا به عبارتی تنگی معیشت، آنچنان است که این نوع وعده‌ها از جذابیت خاصی برای جلب آرای مردم برخوردار باشند. ارائه برنامه‌های کلان برای حل وضعیت به شدت بحرانی اقتصادی ضروری و کاملاً مطلوب است. در این مورد هیچ بحثی نیست. مشکلات اقتصادی ایران بسیار پیچیده است. اگرچه ممکن است بخشی از تشدید بحران کنونی ناشی از بحران اقتصادی جهانی باشد، اما بحران اقتصاد ایران عمدتاً درون‌زا و پیامد

سیاست‌های اقتصادی نابخردانه تصمیم‌گیرندگان و مجریان است. در سطح مدیریت کلان، سیاستمداران ممکن است بتوانند با مقولات سیاسی «بازی» کنند. مثلاً ادعا کنند که ایران آزادترین کشور جهان است، در ایران زندانی سیاسی یا عقیدتی وجود ندارد و... این ادعاها اگرچه نادرست هستند و موجب وهن اعتبار نظام در سطح ملی و جهانی است، اما موجب تشدید بحران سیاسی نمی‌شود اما با مقولات اقتصادی نمی‌توان «بازی» کرد. اقتصاد مقررات و قانونمندی‌های خاص خود را دارد که مستقل از اراده بازیگران سیاسی، عمل می‌کند. به عنوان مثال وقتی رئیس‌جمهوری در سخنان خود به طور رسمی بورس را نوعی «قمار» که حرام است، تلقی می‌کند، بلافاصله بورس دچار افت شدید و ایست قلبی می‌شود و تا مرز تعطیلی پیش می‌رود. بازی با اقتصاد مقررات خاص خود را دارد که آن نیز تابع قانونمندی است. اگر بپذیریم که اقتصاد علم است و هنر، نمی‌توان و نباید انتظار داشت. که نامزدهای ریاست‌جمهوری کارشناس علوم اقتصادی هم باشند. نامزدها ضمن توجه به این امر، به جای اظهارنظرهای نابخردانه می‌توانند و ضروری است از توانمندی‌ها و موقعیت‌سیاسی خود استفاده کنند و از اقتصاددانان ایران که در میان آنها کارشناسان برجسته شناخته‌شده‌ای در سطح ملی و جهانی وجود دارند، دعوت کنند تا با کمک آنها برنامه‌های اقتصادی برای برون‌رفت از بحران روبه‌رشد کنونی را تنظیم نمایند. اما واکنش برخی از نامزدها به مشکلات پیچیده معیشتی مردم، سطحی و ذهنی‌گرایانه و در حد وعده پرداخت‌های نقدی و گذاردن پول نفت بر سر سفره مردم است، شعارهای برخی از نامزدها کاسبکارانه و در نازل‌ترین سطح است، این نوع وعده‌ها به جز برای نامزدی که در راس کار است همه نسبه است و انجام آنها مشروط به کسب آرای مردم و پیروزی در انتخابات است، محتوای این نوع پرداخت‌ها و وعده‌ها به گونه‌ای خرید آرای مردم است در رژیم گذشته، طی سالیان دراز، نامزدهای انتخابات مجلس شورای ملی با انواع ریخت و پاش‌های مادی و مالی، میهمانی‌ها حتی پرداخت پول نقد، در شهرهای کوچک و روستاها آرای مردم را در واقع می‌خریدند. اما کسانی که تصور می‌کنند با استفاده از امکانات فراوان مالی و با توزیع آنها قادر به جذب و جلب آرای مردم هستند، اشتباه می‌کنند. ممکن است با این شیوه بتوانند آرای بخشی از مردم را جذب کنند، اما در شرایط رقابت آزاد و منصفانه، حمایت اکثریت مردم را نخواهند داشت. آنها از یک نکته بسیار جدی و اساسی در رفتارهای سیاسی- اجتماعی مردم ما غافل هستند. مردم ما، به دلیل سالیان دراز استبداد و خفقان به «تقیه» عادت کرده‌اند و با هنرمندی می‌توانند حرف دل خود را پنهان کنند و اگر ابزاری در دسترس آنها قرار بگیرد که اهمیت آنها را حفظ کند، حرف دل خود را در یک برگ می‌نویسند و به‌طور مخفی در صندوق رای می‌ریزند و همه را شگفت‌زده می‌کنند. بسیاری در تحلیل‌گران و ناظران به این نکته توجه کرده‌اند که ایرانی‌ها عادت دارند جهان را شگفت‌زده کنند. این رفتار شگفتی‌آور، انعکاس تقیه و احساس امنیت است. انتخابات یکی از ابزارهایی است که امکان ابراز عقیده را در فضای امن به مردم می‌دهد. در انتخابات متعدد، به‌خصوص ریاست‌جمهوری در ایران ما شاهد اینگونه رفتار مردم بوده‌ایم. در انتخابات دور اول ریاست‌جمهوری آقای هاشمی، آقای احمد توکلی حدود ۴ میلیون رای می‌آورد. در کردستان آقای احمد توکلی خیلی بیشتر از آرای هاشمی رفسنجانی بود. یک ناظر خارجی بی‌اطلاع از اوضاع ایران در برخورد با آمار انتخاباتی جمع‌بندی می‌کند که محبوبیت احمد توکلی در کردستان بیش از هاشمی رفسنجانی است اما این داوری نادرستی است. مردم کردستان هاشمی رفسنجانی را می‌شناختند و به‌هر دلیلی یا علتی حاضر نبودند به او رای بدهند، امکانات در دسترس به آنها این فرصت را داد که به کسی که می‌دانستند «هاشمی» نیست رای بدهند، بدون

آنکه مورد آزار و اذیت قرار بگیرند. بنابراین آنها که فکر می‌کنند با دادن انواع و اقسام امتیازهای مالی حتی توزیع پول نقد، سیب‌زمینی و... می‌توانند آرای اکثریت مردم را جذب کنند، در اشتباه هستند. مردم هدایای دریافت شده را می‌گیرند اما رای خود را به نام کسی در صندوق می‌اندازند که به او اعتقاد داشته باشند و شرط این امر آن است که اولاً، اعتراض به بازداشت‌های خودسرانه فعالان جنبش دانشجویی و فعالان سیاسی اعتراض، تخریب حسینیه‌های دراویش گنابادی، اعتراض به بستن کانون مدافعان حقوق بشر، اعتراض به اعدام متهمین زیر سن قانونی، اعتراض به بازداشت فعالان حقوق زنان، اعتراض به بازداشت معلمان و کارگرانی که از تنگی معیشت به ستوه آمده‌اند و نظایر اینها. نامزدهای اصلاح‌طلب می‌توانند در بسیاری از موارد، مشترکاً اقدام کنند، نظیر اقدام مشترک در نامزد اصلی اصلاح‌طلبان، در تشکیل کمیته صیانت از آرای مردم، اعتراض مشترک به نقض اصول مصرح در قانون اساسی، اعتراض مشترک به صداوسیما، به شورای نگهبان، به وزارت کشور. اگر هدف اصلی پیشبرد جنبش اصلاح‌طلبی و اصلاح ساختار حقیقی (رفتار حاکمان) است و انتخاب شدن فرع بر آن است به نظر می‌رسد نامزدها می‌توانند در این محورها و موضوعات همکاری و همگرایی مشترک داشته باشند. اگر چنین کنند، احزاب و گروه‌های سیاسی، صرف‌نظر از اولویت‌های انتخاباتی، از اقدامات مشترک این نامزدها حمایت جدی خواهند کرد و راه برای توافق بر سر یک نامزد واحد هموار می‌گردد.

سخن آخر آنکه: نامزدهای ریاست‌جمهوری وعده‌های معنوی خود را به مردم نقداً بپردازند. وعده‌های نسبی در حمایت از آزادی و... کارساز نیست. اصلاح‌طلبان نامزد واحدی داشته باشند تا آرای مردم پراکنده نشود ثانیاً از آرای مردم صیانت شود تا مورد تغییر تعدیل قرار نگیرد. اما وعده‌های نامزدهای اصلاح‌طلبان نمی‌تواند تنها در موضوعات اقتصادی باشد. سرشت جنبش اصلاح‌طلبی، علی‌الاصول حل بحران سیاسی است. بحران سیاسی پیامد نقض اصول مصرح در قانون اساسی، به عنوان یک میثاق ملی است. در این سطح کلی‌گویی و دادن وعده‌های خوب و دل‌نشین ولی نسبی کارساز نیست. در سطح سیاسی موضعگیری‌های نقد به جای وعده‌های نسبی در شفاف کردن فضای سیاسی و جهت دادن به تغییرات و تحولات ضروری است. نامزدهای اصلاح‌طلب در واقع به ضرورت تغییر و تحول در ساختارهای حقیقی اعتقاد دارند و داوطلب ریاست‌جمهوری شده‌اند تا این تغییرات را عملی سازند و آنها را پیش ببرند. در این صورت نباید منتظر بمانند که انتخاب بشوند و بعد ببینند که آیا قادر به انجام وعده‌ها هستند یا خیر و بعد بگویند نگذاشتند! از هم‌اکنون دست به‌کار شوند و در مواردی که به آنها اشاره می‌شود، به‌طور شخصی، کاملاً صریح و بی‌پرده اظهارنظر و اعلام موضع نمایند. این اظهارنظر و تأثیری که بر فضای سیاسی ایران می‌گذارد همان پرداخت نقدی وعده‌های معنوی به مردم است، مواردی مثل نقض روزمره و آشکار اصول مصرح در قانون اساسی ایران در باب حقوق و آزادی‌های اساسی ملت.